

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و انقلابات مشهد و اطراف خراسان معلوم گردید و البته تا بحال فی الجمله سکون و قراری یافته است و قدری محذورات زائل گردیده است چون حکومت مشروطه انتظامی یابد اندکی راحت و آسایش حاصل گردد ای ثابت بر پیمان در وقتی که مجلس ملی سابق در نهایت اقتدار بود و شاه نفس نفیس صدر اعظم را به قم فرستاد تا پذیرائی از حضرات علما نماید و ایشان را در نهایت احترام و رعایت به طهران رجوع دهد و چون به طهران رسیدند جمیع خلق و حکومت بنهایت حرمت و رعایت استقبال کردند و باحتشام وارد نمودند و سه شبانه روز چراغان کردند و مجلس ملت تشکیل شد بعضی از یحیائی‌ها نفوذ تام در مجلس پیدا نمودند و فساد پرداختند و دولت و ملت را بهم انداختند تا کار بجائی رسید که بخلع شاه و جلوس دیگر مصمم شدند عبدالبهاء بصریح عبارت بچند نفوس از جمله محفل روحانی طهران مرقوم نمود که دولت موفق گردد و مجلس بنحوست مفسدین یحیائی متفرق خواهد شد در آنوقت شاه در نهایت ضعف و مجلس در نهایت قوت بود و انجمنهای ملی که مؤید مجلس بود قریب بصد رسیده بود لهذا یحیائی‌ها از تصریح عبدالبهاء یعنی تفریق مجلس استهزاء می نمودند تا آنکه بگتة مجلس پریشان و متفرق شد و حضرات یحیائی‌ها خائب و خاسر گردیدند و نتوانستند که سلطنت را تغییر و تبدیل بشخص منوی ضمیر خویش دهند زیرا از او مبالغه رشوت و برطیل گرفته بودند باری بعد از این واقعه عظمی که سبب حیرت نفوس حتی اعدا گردید واقعه سیرجان واقع شد که حضرت عالم جلیل آقا سید یحیی را بنهایت مظلومیّت شهید نمودند و در سنگسر احبای الهی را اذیت شدید کردند و ظلم عظیم روا داشتند و در تبریز مجتهد خونریز حاجی میرزا حسن فتوا بقتل جمیع یاران داد که این حضرات مشروطه طلبان جمیعاً بهائی هستند بموجب شرع باید قتل و غارت کردند لهذا یاران الهی جمیعاً متفرق شدند فقط دو نفر را بدست آوردند و بزخم شدید شهید نمودند و اگر چنانچه یاران در آذربایجان متفرق نمیشدند کلاً و طراً بفتوای آن ظالم خونخوار شهید میشدند ولی هر چه جستجو نمودند کسی را نیافتند در آنوقت عبدالبهاء بمرکز مهمه حتی بامین و ندیم خود شاه بصراحت من دون تأویل مرقوم نمود و همچنین بمحفل روحانی طهران محرمانه بنگاشت و همچنین بنفوس مهمه دیگر بصریح عبارت مرقوم نمود و الآن آن اوراق تحت امضا و ختم عبدالبهاء در طهران موجود و مضمون اینکه حکومت باید بخونخواهی حضرت شهید آقا سید یحیی برخیزد و ظالمان سنگسر را سنگسار نماید و مجتهد خونریز را کیفر فرماید و جزای سزا دهد تا من بعد مجتهدی دیگر این جسارت ننماید و اگر حکومت باین امور قیام نماید فیها و الا یفعل الله ما یرید و یشاء بعد حکومت اعتذار نمود که در قوه ما نیست دوباره مرقوم شد که اگر حکومت آنچه باید و شاید مجرا دارد و خونخواهی حضرت شهید سید یحیی نماید و ظالمان سنگسر را جزای لازم دهد و مجتهد جاحد را بآنچه سزاوار است قصاص نماید محفوظ و مصون ماند و الا تأیید بکلی سلب گردد و بدا ظاهر شود و امور منقلب گردد حتی مرقوم شده بود که بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردند که ما موعود بآن بودیم که سابعهم قائمهم و شما سابعید کو قائمیت فرمودند من موعود بودم و قائم بودم و لکن بدا شد باین صراحت مرقوم شد که چون در قائمیت امام جعفر صادق بدا جائز البته در قهر و غلبه حکومت حاضره بطرز اولی بدا جائز خواهد شد چون در آنجا بدا جائز بود البته در اینجا جواز بیشتر است حتی بامین و ندیم خود او در این خصوص بصریح عبارت مرقوم گردید ولی اعتنائی نمود لهذا اثر بدا ظاهر گشت و همچنین بکرات و مرات مرقوم گردید که تا دولت و ملت مانند شیر و شهد آمیخته یکدیگر نگرند فلاح و نجاح ممتنع و محال مکاتیب موجود و حتی در چند نامه مفصل به طهران بصریح عبارت مرقوم شد و حتی بامین و ندیم شاه که اگر

دولت و ملت با هم امتزاج نیابند و اتفاق نکنند امور بکلی مختل گردد و دول متجاوره مداخله نمایند بجهت اثبات این بیان نفس مکتوبی که جناب حاجی میرزا عبداللّه سقطفروش در این ایّام از طهران فرستاده است ارسال میگردد تا ملاحظه نمائید که وقایع آتیه بچه صراحت از پیش انداز شده است و ثابت و محقق گردد که قلم میثاق مؤید است آنچه از او صادر البتّه واقع گردد شما این نامه را استنساخ نموده در جمیع خراسان انتشار دهید و نامّه حاجی میرزا عبداللّه را نیز سواد نموده انتشار دهید زیرا بعضی ضعفا این قضیه را وسیله نموده و تخدیش اذهان مینمایند و احبّاء اللّه از تفصیل اطلاع ندارند در بدایت بصریح عبارت مرقوم شد که این مجلس بهم میخورد و این رؤسای موجوده مخدول میشوند حکومت فائق گردد بعد از آن تکالیفی شد که باید مجرا گردد از طرف حکومت اعتنا نگشت تکرار بتکرار بصراحت نوشته شد و انداز گردید نتیجهئی نبخشید پس آنچه از قلم میثاق صادر شد در این ایّام ظاهر و آشکار گردید امیدواریم که مشروطیت که نصّ قاطع کتاب اقدس است در ایران تأسس یابد و اطمینان حاصل گردد مشروطیت بنصّ قاطع کتاب اقدس حکومت مشروعه است و استبداد و استقلال غیر مشروعه ولی ما در بدایت محض محافظه احبّاء مدارا کردیم و علت این مدارا این بود که رؤسای ملت بتحرک یحیائی‌های بیحیا بتمامه ضدّ احبّاء لهذا اگر ما نام مشروطیت بر زبان میراندیم حکومت نیز بر عداوت قیام مینمود مادّه بجزء ضعیف میریخت یاران در میان دو طرف شرط مصالحه میشدند حکومت فوراً اعلان میکرد که مشروطیان جمیعاً بهائیند و نصّ کتاب اقدس را مجرا خواهند چنانکه میرزا فضل‌اللّه نوری در طهران اعلان نمود و اعلان‌نامه‌ها را در تمام طهران معلق نمودند لهذا باین وسیله دولتیان دست بکشتن میگذاشتند و ملتیان نیز معاونت مینمودند و بکلی یاران را از میان برمیداشتند بسبب این حکمت بود که آن مدارا در بدایت واقع گردید و عاقبت الحمد لله آنچه مرقوم شد واضح و آشکار گشت و لیس هذا الا من فضل ربی الأبهی و علیکم التّحیّه و الثّناء ع ع